

الفبای کردی گرمانجی از دیدگاه فونوتیکی (آوایی یا صوتی)

Alfabê ya Kurmancî bi dîtina dengnasînê

در این درس الفبای کردی گرمانجی را از دیدگاه فونوتیکی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می دهیم. امید به اینکه در خصوص حفظ زبان، ادبیات و فرهنگ گرمانجی قدم مثبتی باشد. از کلیه پیشکسوتان، کارشناسان، متخصصین امر و بالاخص دانشجویان عزیز گرمانج تقاضا می کنیم که وارد صحنه عملی پژوهشی و تحقیقاتی فرهنگ و زبان مادری خود شویم. امیدواریم که مطالب مرقومی در این دروس محرکی باشد تا زمینه را برای گرمانج های گرانقدر خراسان فراهم کند و آنان با توجه به سلیقه و دانش خود بر کمیت و کیفیت این مطالب بیفزایند، زبان و فرهنگ غنی و پربرابر گرمانجی را بالنده کنند.

الفبای کردی دارای ۳۱ حرف می باشد:

Aa	Bb	Cc	Çç	Dd	Ee	Êê	Ff	Gg	Hh	Ii	Îî	Jj	Kk	Ll	Mm
Nn	Oo	Pp	Qq	Rr	Ss	Şş	Tt	Uu	Ûû	Vv	Ww	Xx	Yy	Zz	

حروف صدادار در زبان کردی گرمانجی ۸ حرف می باشند، شامل: **A, E, Ê, I, Î, O, U, Û**

برای تلفظ کردن این حروف صدادار، فک (منظور از فک یعنی جایی که دندانها بر روی آن نصب شده اند) از همدیگر باز می شود، و هر حرف نیز به تنهایی از فک بیرون می آید و یک صدا درست می کنند، یعنی اینکه حروف صدادار بطور مستقل و بدون کمک از حرف دیگر می توانند صدا (صدای آهنگین، آوای موزیکال) درست کنند.

حرف	نمونه
A a	kar, sar, ...
E e	ker, şer, ...
Ê ê	nêr, mêt, ...
I i	kir, bir, ...
Î î	sîr, şîr, ...
O o	gog, şor, ...
U u	kur, gur, ...
Û û	kûr, şûr, ...

حروف صدادار کُرمَاجی از دیدگاه کوتاه بودن و بلند بودن صدا (تداوم صوت) به دو قسمت تقسیم می شوند: حروف صدادار با صدای کوتاه (استمرار و طول کشیدگی صدا کمتر) و حروف صدادار با صدای بلند (استمرار و طول کشیدگی صدا بیشتر).

حروف صدادار با صدای کوتاه، صدای این حروف به ناگهانی و یکپو از فک خارج می شوند، و فک بصورت نیمه، باز می شود و تداوم یا استمرار صدای این حروف کمتر بوده و هیچگاه بیشتر نمی شود. این حروف صدادار سه حرف می باشند:

حرف	نمونه
E e	ez, em, ber, şer, beraber, ezber, pale, ...
I i	bilbil, dil, mirin, min, kirin, bira, ...
U u	tu, gul, guh, kum, <u>kur</u> , kurmanc, dirust, ...

حروف صدادار با صدای بلند، صدای این حروف هنگامی که از فک خارج می شوند حالت تداوم یا استمرار دارند، فک بیشتر از هم باز می شود. این حروف صدادار پنج حرف می باشند:

حرف	نمونه
A a	av, ap, bav, dara, baran, ...
Ê ê	êl, êm, rê, mêt, bêrîvan, ...
Î î	înî, îro, îşev, dîn, şîn, zîn, sîr, şîr, ...
O o	ordek, sor, olçek, boz, roj, gog, ...
Û û	tûr, şûr, rû, mû, kûr, dûr, hûr, nûr, jûr, ...

بطور کلی اگرچه ممکن است حروف صدادار با صدای کوتاه و با صدای بلند، از نظر شکل ظاهری به هم نزدیک باشند (حروف با صدای کوتاه در واقع کلاه ندارند)، اما از نظر صدا و آوا از هم دور هستند و خیلی با هم فرق می کنند، چونکه جایگاه در آمدن صدا در هر یک از آنها با هم فرق می کند (کمی جلوتر این جایگاهها را خواهید دید).

حروف صامت (لال، بی صدا)، این حروف به تنهایی خود و بدون کمک حروف صدادار نمی توانند صدا (صدای موزیکالی) درست کنند و از فک خارج شوند. این حروف در داخل فک به روی بعضی جاها مانند لب، دندان و کام افتاده و از آنها یک صدای صامت یا لال پیدا می شود. حروف صامت در زبان کرمانجی ۲۳ حرف می باشند. شامل:

Bb Cc Çç Dd Ff Gg Hh Jj Kk Ll Mm Nn Pp Qq Rr Ss Şş Tt Vv Ww Xx Yy
Zz

حروف نیمصدا **Tîpên Nîvdeng**

این حروف به حروف سلیس کردن کلمه نیز معروفند. حروف **w** , **y** که در زبان کوردی حالتی مابین حروف صدادار و حروف صامت را دارند، حروف نیمصدا نامیده می شوند. این حروف در واقع آن رلی را در کلمه بازی می کنند که باصطلاح می گویند کلمه را می پزد، و یا بعبارت دیگر کلمه را خوش تلفظ و یا خوش بیان (سلیس) می کنند.

این حروف که گاهاً آنان را حروف بارشده (سوارشدنی) / siwartîp نیز می‌گویند از اتحاد حرف y و یا w به همراه یک حرف صدادار درست می‌شود. در واقع این حروف صدادار سوار بر حروف نیم صدای y و یا w می‌شوند (بعبارت دیگر حرف y و یا w حروف صدادار را به خود بار و حمل می‌کند تا بیانی نرم و سلیس را ایجاد کند).

Y : ya, ye, yê, yi, yî, ey.

W : wa, we, wê, wi, wî, ew, êw, aw.

Y	Yar, yêk, darayê kurmanc, mayîn, çîyayî, meydan, ...
W	War, welat, wêran, windabûn, wî, xew, dew, daw

Rûê min > rûyê min (صورت یا چهره من)

bi vî awaî > bi vî awayî (به این شیوه)

pîê min > pîyê min (شانه من)

sîa te > sîya te (سایه شما)

baî > bawî (رماتیسمی)

xwesîa te > xwesiwa te (xwesîya te) (مادر زن تو)

kaî > kawî (کاوآلویی)

... hwd > her wekî din (همان کلمه " و غیرو ، و الا آخر " در فارسی می باشد)
(باشد)

البته استثنائاتی هم وجود دارد. مثلاً وقتیکه کلمه با حروف صدادار شروع شود و یا اینکه فعل با آهنگ زمان و حالت هماهنگ و تصریف شود، آنگاه دو حرف صدادار (در کلمه) در کنار هم قرار می‌گیرند و حروف نیمصدا مابین دو حرف صدادار قرار نمی‌گیرند بلکه کلمه به حالت و فرمی جدید در می‌آید. مثال:

înan (anîn) > biîne > bîne
 êşîn > diêşîne > dêşîne (têşîne
 avêtin > biavêje > bavêje
 ajotin > biajo > bajo
 aqil > biaqil > baqil

در این ارتباط اتحاد حرف **y** با یک حرف صدادار بالاخص در تصریف افعال بسیار مهم است (بالاخص در سوم شخص مفرد و حالت بلانی)، چونکه اگر دو حرف صدادار هنگامی که پشت سر هم قرار گیرند حرف **y** در میان آنان قرار می‌گیرد تا آنان را از هم جدا کند و بدینوسیله صدای سلیس و نرم لازم را ایجاد کند. مثال:

Ketî > ketî e > ketîye

Bû > bû e > bûye

Bila ez çûbiwama.

Bila min xwaribiwa (xwaribûya).

Tîpên pevdeng

حروف هم صدا

در زبان کرمانجی این حرف معمولاً از اتحاد دو حرف صامت (بی صدا) به همراه یک حرف صدادار درست می‌شود. حروف همصدا شامل: **xw, kw, gw** در واقع از اتحاد این دو حرف (که هر یک صدای مجزا و خاص خود را دارند) یک صدای جدید درست می‌شود.

w و **x** بعنوان دو حرف در کنار یکدیگر قرار گرفته و با همدیگر آن صدایی از "خ" را که مطلوب بیان کلمهء **xwîn** (خون) در کوردی است را درست می‌کنند، و همینطور مثالهای دیگری که ذیلاً بیان شده است.

xw	Xwa, xwe, xwê, xwî, xwi
kw	Kwî
gw	Gwê

Xwa: xwarin, xwas, xwastin, ...

Xwe: xwelî(خاک), xwesî(مادر زن), xwedî(صاحب), xweş(خوش), xwedê(خدا), xwendin(خواندن), ...

Xwê: xwêdank(نمکدان), ...

Xwî: xwîn, xwînxwar, xwînî, ...

Xwi: xwirde, xwirdekar(خرده کار), xwiriş(ماست خشک), xwidan(عرق کردن)

البته حرف همصدا **xwî** معمولاً بصورت **xu** نیز تلفظ می‌شود و در نوشتن هم به همین شکل معمول می‌باشد، چونکه صدای **xwî** و **xu** در گرمانجی یکی هستند. اما در کلماتی مانند **dixwim** لازم است که **xwî** بکار برده شود چونکه در اینجا **xw** ریشهء فعل است و **im** فعل کمکی می‌باشد که قابل تغییر نیستند.

Xwi > xu : xurde, xurdekar, xuriş, xudan, ...

Kwî: kwîr(کویر), kwînêr/ kunêr(زخم چرکین), ...

Gwê: gwêz/ gûz(گردو), gwêzik/ gîzik(قوزک پا), ...

حروف دو صدایی **Tîpên du dengî**

در زبان کوردی حروف $p, k, \text{ç}, t$ می‌توانند دارای دو صدا یا آوا باشند (البته حرف r نیز گاهی در کرمانجی حالت مشدد و مکرر دارد که آن را در همین نوشتار در قسمت آواشناسی به تفکیک حروف الفباء خواهید دید)، این دو صدا را که صدای نرم (**deng nerm**) و صدای خشک (**deng hişk**) می‌نامند با حرکت لبها در هنگام تلفظ آن حرف قابل تشخیص است (در واقع یک حرف است با دو صدا، بستگی به چگونگی کاربرد آن در کلمه دارد). در بعضی متون کوردی هنگامیکه تلفظ حرف، صدای خشک را دارد، زیر حرف یک خط می‌کشند (مثل **K, P, T**)، که این خود تلفظ و خواندن آن کلمه را در متن برای خواننده واضح و بسیار ساده می‌کند.

این حروف در کرمانجی به دو آوا یا صدا تلفظ می‌شوند و در واقع جایگاه دو صدا را می‌گیرند. بعبارت دیگر هر کدام از حروف **Ç, K, P, T** در واقع دو صدا ایجاد می‌کنند، یک صدای نرم و یک صدای خشک.

حرف	Deng nerm صدای نرم	Deng hişk صدای خشک
Ç	çar, ço, çel, çap, çol, çim, çima, ...	ço, çep, çerm, çûrik, çêlik, çîya (çê), ...
K	ker, kum, kol, kal, ...	<u>k</u> er, <u>k</u> il, <u>k</u> ezeb, <u>k</u> a, <u>k</u> al, <u>k</u> u, ...
P	pêtav, per, pîroz, pir, par, por, pelaw, ...	<u>p</u> îr, <u>p</u> ar, <u>p</u> irç, <u>p</u> îvaz, <u>p</u> oz, ...
T	tor, teşî, tewş, têr, tu, ...	<u>t</u> îrî, <u>t</u> îr, <u>t</u> ûr, <u>t</u> êr, <u>t</u> evşo, <u>t</u> av, <u>t</u> în, <u>t</u> er, <u>t</u> û, ...

آواشناسی حروف صدادار در کُرمانجی **Dengnasîna tîpên dengdar li kurmancî**

صدای بیشتر حروف صدادار با همکاری باد (هوای تنفس) که از طرف حلق می آید و با نحوه شکل گرفتن لبها و دندانها درست می شوند (حالت و رنگ خود را می گیرند). آواشناسی حروف صدادار شامل:

۱ - حروف صدادار با صدای بلند:

A : در کُرمانجی برای در آوردن صدای این حرف، آرواره (فک) کمی باز می شود، یک باد نرمی از طرف حلق به شکاف فک می آید و به قسمت عقبی کام مالیده شده و از میان لبها بیرون می شود، و بدین طریق صدای این حرف درست می شود.

Ê : وقتیکه لب آرام و نرم پهن شد و هوا (نفس) از میان لبها بیرون شود این صدا درست می شود.

Î : برای در آوردن این صدا، لب پایین بطرف پایین کشیده می شود، و با چسبیدن کام سخت به زبان، بادی که بطرف پایین افکنده (پرتاب) می شود، این صدا را درست می کند.

O : وقتیکه باد (هوا، نفس) از میان لبهای گرد کرده و کمی باز شده از شکاف فک بیرون شود این صدا درست می شود.

Û : برای در آوردن این صدا، لبها گرد می شوند اما باز نمی شوند، از جلوی دندانها باد (هوا، نفس) به زمینه و بطن مالیده شده، و این صدا درست می شود.

۲ - حروف صدادار با صدای کوتاه:

برای در آوردن این صدا، فک همانند صدای a کم باز می شود و با کشیدن چانه کمی بطرف پایین، این صدا درست می شود.
E :

برای در آوردن این صدا، دندانها بر روی هم می آیند، لبها به حرکت در نمی آیند، باد (نفس، هوا) از زمینه و بطن بصورت مالشی حرکت کرده، و بعد از این عمل این صدا در می آید.
I :

لبها را همانند صدای O گرفته، باد (نفس، هوا) به یکباره به پیش و بطرف بالا بصورت مالشی حرکت کرده، و با همکاری کام سخت **U :** این صدا از میان فک بیرون می آید. این صدا در واقع چیزی مابین صداهای \hat{i} و \hat{i} و w می باشد.

Dengnasîna tîpên lal (bêdeng) li kurmancî

آواشناسی حروف صامت (لال، بی صدا) و نیم صدا در کُرمَنجی

<div style="display: flex; justify-content: space-between; align-items: center;"> <div style="text-align: right; color: red;">صدا و آوا →</div> <div style="text-align: left; color: red;">اندام تولید ↓</div> </div>	Plosive ± (انسدادی یا انفجاری)	Fricative ± (سایشی، مالشی یا اصطکاکی)	Lateral / vibrative / nasal (دماغی / لرزشی / جانبی)	نیم صدا
bilabial (دو لبی)	p b		M	W
Labio - dental (لبی و دندانی)		v f		
Dental (دندانی)	t d	z		
Alveolar () آرواره ای یا فکی	c ç		n l r	
Palatal (کام سخت)	k	ş s j		
Velar (کام نرم)	g	q		Y
Uvular (زبان) (کوچک)				
Pharyngeal (حلقی)			x h	

bilabial (دو لبی) - در اینجا برای تلفظ حروف از هر دو لب استفاده می شود. در واقع یک حرف صامت با آوردن لبها به طرف همدیگر و یا با گرد کردن لبها تلفظ می شود. مثل حروف:

b, p, m, w

dental (دندانی) - در اینجا برای تلفظ حروف از زبان و دندان ها استفاده می شوند. در واقع یک حرف صامت با

جای دادن زبان در پشت دندان های جلویی (قسمت بالایی دندانهای پیشین) تلفظ می شود. مثل: t, d, z

Alveolar (فکی/ آرواره ای/ لثه ای) - در کرمانجی کلمه dev û diran (dev û diwan) (دندان و لثه یا دندان و فک) که در اینجا کلمه انگلیسی Alveolar در واقع همان dev (لثه یا فک یا آرواره) در کرمانجی می باشد. در این حالت برای تلفظ حروف، از زبان که بطرف پشت دندانهای پیشین حرکت می کند، استفاده می شود. در واقع یک حرف صامت با جای دادن زبان نزدیک به نوک و تیغه دندانهای پیشین از پشت (بعبارت دیگر با تماس زبان به نوک دندانهای پیشین از پشت آرواره بالایی) تلفظ می شود. مثل: c, ç, n, l, r

Palatal (کام سخت / سقف دهان) - در اینجا برای تلفظ حروف از زبان که به طرف کام یا سقف دهان حرکت می کند، استفاده می شود. در واقع یک حرف صامت با بالا بردن زبان بطرف کام (سقف دهان) یا نزدیک شدن زبان به کام سخت، تلفظ می شود. مثل: k, j, s, ş

Velar (کام نرم) - در اینجا برای تلفظ حروف از زبان که بطرف کام نرم (قسمت عقبی سقف دهان) حرکت می کند، استفاده می شوند. در واقع یک حرف صامت با جای دادن قسمت عقبی زبان در تماس یا نزدیک شدن به کام نرم (قسمت عقبی سقف دهان) تلفظ می شود. مثال: g, q, x

Plosive (انسدادی و انفجاری) - در اینجا حروف با رها کردن ناگهانی (شتاب آمیز) نفس تلفظ می شوند. در واقع یک حرف صامت با حبس تنفس و سپس رها کردن ناگهانی نفس (هوا) تلفظ می شود.

مثال: p, b, t, d, c, ç, k, g

Friction (سایشی، مالشی و اصطکاکی) – در اینجا حروف با سایش نفس (هوا) تلفظ می شوند. در واقع یک حرف صامت با وادار کردن و فرستادن نفس (صدا) از میان یک دریچه باریک (شکاف باریک شده دهان) تلفظ می شود. مثال: v, f, z, s, ş, j, q

Lateral (جانبی، کناری) - در این حالت تلفظ حروف با بستن غیرکامل جلوی نفس (هوا) می باشد. در واقع یک حرف صامت با تماس دادن نوک زبان در تیغه آرواره (فک) که هوا از یک طرف یا هر دو طرف (جوانب) زبان حرکت می کند، تلفظ می شود. مثال: r, l

Vibration (لرزشی) – در اینجا تلفظ حروف با لرزش یا حرکت ریتمیک خیلی سریع است، یک صدای پرطنین دارد که تمایل به تداوم برای مدتی می باشد. مثال: r, l

صداهاى حروف الفباى كُردى كُرماتجى با توجه به اندامهاى توليد صوت (آوا)

حرکت اندامهای آوایی (صوتی) تولید امواج صوتی را می کند که از طریق هوا به گوش شنونده منتقل می شوند. این امواج توسط اسپکتوگراف (طیف نگار) قابل آنالیز و رویت می باشند. طیف نگار امواج صوتی را بر پایه فرکانس و دامنه نوسان امواج صوتی و زمان قابل رویت و دیدن می کند. انواع صدا های گفتاری در کرماتجی را بر اساس شیوه تولیدی توسط اندامهای صوتی را باهم مرور می کنیم. در اینجا حروف صامت را به تفکیک و یک به یک مورد توجه و مذاقه قرار می دهیم.

Plosive (صدای انسدادی یا انفجاری)

یک حرف با تلفظ لبی و صدای انفجاری یا انسدادی است. > **b**

p > یک حرف با تلفظ لبی و بدون انفجاری است و یک وارینه نیم انفجاری با صدای نرم نیز دارد.

d > یک حرف دندانی و با صدای انفجاری است.

t > تلفظ این حرف دندانی اما بی انفجاری است. این حرف نوع (گونه) نرم و نیم انفجاری نیز دارد.

ç > یک صدای پشت آرواره ای، فشرده و با انفجاری است. این حرف در کردی دو گونه صدا دارد. ۱- این صدا نرم و نیم انفجاری.

۲- این صدا از میان آرواره و دندان و نوک زبان بیرون می آید که صدایی خشک می باشد.

c > یک صدای پشت آرواره ای و بدون انفجاری است.

g > یک صدای کام نرم و با انفجاری است.

k > یک صدای کام سخت (قسمت عقبی کام)، فشرده و با انفجاری است. این صدا یک گونهء کام نرم (قسمت جلویی کام) هم دارد که نیم انفجاری است.

Fricative (صدای مالشی یا سایشی)

f > یک صدای لبی و دندانی است، دندان بالا روی لب پایین فشرده می شود، و هوا از میان آنها کشیده می شود، و به این شیوه این صدا درست می شود. بعبارت دیگر یک حرف مالشی یا سایشی است.

v > یک صدای لبی و دندانی است، لب پایین به جلوی دندانهای بالا می آید و این صدا بیرون می آید. بعبارت دیگر یک صدای بدون سایش و مالشی است.

s > یک صدای پشت آرواره ای و مالشی است.

z > یک صدای پشت آرواره ای اما بدون سایش و مالشی است.

j > یک صدای کام خشک (قسمت جلویی کام) و مالشی است.

- ş > یک صدای کام خشک (قسمت عقبی کام) اما بدون مالشی است.
- x > یک صدای کام نرم و مالشی است.
- q > یک صدای کام نرم قسمت جلویی (نیم خشک) و بدون مالشی است.
- h > یک صدای حنجره ای و بدون مالشی است.

Lateral / vibrative / nasal (صدای دماغی / لرزشی / جانبی)

- m > یک صدای دولبی و داخل بینی ایی است.
- n > یک صدای پشت آرواره ای (نوک زبان بطرف آرواره) و داخل بینی ایی است.
- l > یک صدای از میان دندانان و نوک زبان در پشت آرواره، هوا از جوانب و کنار زبان بیرون، تارهای صوتی مرتعش است.
- r > یک صدای با نوک زبان رو به بالا پشت آرواره ای، لبها کمی گرد، تارهای صوتی مرتعش و لرزشی است.
- w > یک صدای لبی و گرد (با گرد کردن لبها) است.
- y > یک صدای کام سخت (قسمت عقبی کام سخت، و یا قسمت جلویی کام نرم) است.

ذیلاً بطور خلاصه آواشناسی الفبای گُردی کرمانجی به تفکیک حروف همراه با مثالهایی ارائه شده اند.

A به تنهایی خود یک صدای بلند از عمق حلق و با بازکردن فک ارائه می شود. با تلفظ کردن این حرف باد (صدا) از میان فکها بیرون می آید و بازکردن فکها کمی ادامه دار است.

aş, av, agir, çîya, mîvan, derya, dar, ard, avis, ...

در بعضی از مناطق کرمانج نشین از جمله در منطقه کرمانج شمال خراسان در بعضی از کلمات گاهاً حرف a بصورت e تلفظ می شود. مثلاً کلمهء پرسشی Ma (آیا) بصورت Me (که

البته درست همان **ma** است چونکه کلمه **me** خود ضمیر بوده و معنی خاص خودش یعنی ما را دارد)، و یا کلمه **(ji xwe)** بصورت **xa** تلفظ می شود. مثال:

Ma (me / qey) tu neçûyî? آیا شما نرفته اید؟

Xa (xwe / ji xwe) te got bike. خود (خب) شما گفتید بکنید.

Xa te got mere. خود شما گفتید نرو.

B این صدا با آوردن هر دو لب بر روی همدیگر درست می شود، و به تنهایی خود هیچ صدایی نمی دهد.

bar, kebab, beq, berf, beran, bizin, bav, bihar, baran, ba, ...

C این صدا با نوک زبان از طرف بالا درست می شود، یعنی اینکه با گذاشتن نوک زبان روی قسمت پایین فک درست می شود. این حرف صدایی طنین دار و لرزشی درست می کند.

can, ciwan, cobar, cîger, cacim, fincan, canîk, cînar, ceh, cêran, cewr, car,

...

Ç این صدا نیز مانند **C** با همکاری نوک زبان درست می شود و صدایی طنین دار و لرزشی دارد. این حرف به دو شیوه بکار می رود:

صدای نرم که یک صدای پشت آرواره ای می باشد: **۱ -**

çi , çel , çar , çend , çere (çawa) , kemañçe , çay , çemen , çol , çayîr , çim ,

...

صدای خشک و مشدد که یک صدای پشت آرواره ای می باشد: - ۲

çeng , çav , çêlik , çerm , çakûş , çal , ço , çilm , çîn , çûçik , çûrik , ...

D این صدا با همکاری نوک زبان که به دندانها برخورد می کند درست می شود.

derd, dem, dê, dûman, dar, dîk, radiyo, dîn, dest, dûr, dihol, diran
(diwan), deve, ...

E این یک حرف صدادار است. صدای این حرف با بازکردن فک و برداشتن لب و دندانها از روی همدیگر که صدایی کوتاه یکباره از بالای حلق بیرون می دهد درست می شود.

ez, em, erzan, efsane, ker, şeş, ewr, zewq,
zerî, evîn, ...

Ê یک حرف صدادار است. صدای این حرف از بالای حلق و با بازکردن فک و برداشتن لب و دندانها از روی همدیگر، که صدایی پیوسته بیرون می دهد، درست می شود.

êl, êm, êvar, êzing, êş, pênc, rêwî, rê,
zêr, mêş, ...

F این صدا با همکاری لب و دندانها درست می شود. لب پایین می افتد به میان دندانهای پایین و بالا، و کمی ایستا می شود. لب بالا نیز در حالت بالا می ماند.

fener, fanûs, ferman, firfirî, filçe, heft, tilifûn, firîn, fîl, berf,
fincan, firoke, ...

G این صدا روی نیمهء عقبی زبان از طرف بالا درست می شود. نیمهء زبان بر روی شکاف فکی بالا ایستا می شود و لب و دندان باز می مانند.

ga, gur, gul, guh, gamêş, gez, goşt, gêrmî, golik, gog, genim, gurî, girtin, gol, koling, ...

H این صدا از حلق و با هو کردن بیرون می آید. بهر حال فک، لب و دندان باز می مانند.

hawar, hereket, hêvî, hêja, hemêz, huner, hirmî, hîv, havîn, hesp, heval, hestî, neh, deh, ...

I این یک حرف صدادار است. با باز کردن فک صدایی کوتاه و به یکباره از نیمهء حلق بیرون می دهد، درست می شود. این حرف معمولاً در ابتدای کلمات کرمانجی بکار نمی رود، همچنین در انتهای کلمات نیز به جزء چند حروف اضافه مثل bi, ji, çî, di بکار نمی رود.

kirin, birin, bilbil, dirinde, birîn, gizêr, jin, dil, bizin, bivir, piling, zivistan, hêstir, hingif, ...

Î این یک حرف صدادار است. با باز کردن فک، لب و دندانها صدایی پیوسته از نیمهء حلق بیرون می دهد، درست می شود.

îşev, îsal, îran, îni, taksî, dîk, dîwar, kanî, sîr, şîr, tirî, îro, ...

J این صدا از پشت دندانها بیرون می آید. زیر زبان را بر روی پشت دندانها کمی ایستا نموده و این صدا را با حالت کشیدن و مالشی بیرون می دهد.

jîn, jîjo/ jûjî, jêr, jor, jîr, jîn, qijik, roj, şijî, rojî, mij,

bijang, bejin, ...

K این صدا از نیمهء عقبی زبان با همکاری شکاف فکی بالا درست می شود. این حرف در واقع دو صدا دارد (جایگاه دو صدا را می گیرد).

صدای خشک - ۱

kevçî, kevok, kal, kil, kor, ka (pûşê hûr), kadan, kar (çêlika bizinê bizgale),
kanî (چشمه),
ker (kesê ku nabihîse ناشنوا).

Mê > kara bizinê , gîska virnî

Nêr > karê bizinê çilo xwarine.

صدای نرم - ۲

kesk, kêwanî, ker (bar radike الاغ), kum, kar, kole (برده، غلام), kol (بی شاخ),
kîsî/ kûsî, kaxez, ka (bide min), kêr (کارد، چاقو), ker (kera mançe ,
kerê nêr)

Mê > kêra polatî کارد فولادی

Nêr > ez bi kêrê vî karî têm من کارآمد این کار هستم

L این صدا با همکاری نوک زبان و از میان نیمهء در می آید.

lal, lale, lûle, leyla, leylan, lor, fîl, lîmo, leklek, lepik, lez,

simbil, simbêl, ...

M این صدا با بستن فک و دندانها و گذاشتن لبها بر روی همدیگر از بینی در می آید.

mar, mal, mêt, mîvan, meymon, masî, mişk, kum, kurm, mirišk, mêş, mûzîk

...

N این صدا با همکاری نوک و نیمهء جلویی زبان و با بالا بردن لبها از روی همدیگر از بینی در می آید.

nalîn, nîşan, narîn, nûza, nan, mange, nînik, nexwaş, nêr, name, penîr, nar,
navik, ...

O این یک حرف صدادار است. این صدایی پیوسته است که از میان فک با بازکردن لب و دندانها بیرون می آید.

otaq, ocax, omîd, orte, ordeq, otobûs, gog, otomobîl, por, ...

P این صدا با گذاشتن هر دو لب بر روی همدیگر در می آید و این حرف دو صدا دارد (جایگاه دو صدا را می گیرد).

۱ - صدای نرم

por, parçe, pûş, pismam, pişêman, pir, pêtav, pembû, hesp, pişîk, payîz, ...

Par حق، سهم > te para min xwar. Te para xwe girt.

۲ - صدای خشک

pîr, pepûk, pîvaz, pîrejin, pirç, poz, penîr, panî, ...

Par پارسال > par tu li ku bûyî?

Q این صدا از نیمهء حلق در می آید.

qaz, qulinc, qêz, qamîş, qirtik, qijik, qîrîn, beq, qirik, qend, qedexe, qîr,
qelem, qefes, ...

R این صدا از نوک و نیمهء جلویی زبان درست می شود. این حرف دو صدای ساده و مشدد دارد (جایگاه دو صدا را گرفته است).

۱ - صدای ساده

rêwî (رهگذر)، râ, rik (لجوجانه)، rol, mar, çar, bilûr, baran, dar, ...

در اینجا حرف r صدای ساده را دارد > (آبسه، زخم) birîn

۲ - صدای مشدد (که حالت مکرر و تکرار دارد)

reş, rewş, rabûn, req û rût, rist (ریسمان), rûreş, rovî, dirî, ...

صدای مشدد را دارد (معمولاً در حالت مشدد زیر آن حرف را خط نشان می > (بریدن) birîn در اینجا حرف r کنند)

S این صدا از میان دندانها با لرزشی و ظنین دار کردن (سوت کشیدن) درست می شود.

sal, sar, sol, sîr, sersal, sosin, saet, sêv, sêl, das, se, sed, sa (sewa), ...

Ş این صدا از پشت دندانها و با همکاری زیر زبان درست می شود.

şor, şûr, şîr, şal, şêr, şeş, şoriş, şûşe, şeker, şeh, aşî, şîlan, ...

T این صدا با همکاری دندانها و نوک زبان درست می شود. این حرف دو صدا دارد (جایگاه دو صدا را گرفته است).

- **۱ صدای نرم**، این صدا در واقع همان صدای ت معمولی است. بیشتر اوقات در آخر کلمه می آید.

tor, têr (سیرشدن), tûtî, tijî, dawet, texte, dest, tût, tewdan, gîtar, filût, teşî, teşt,

...

- **۲ صدای خشک**، این صدا در واقع چیزی مابین صدای ت و د می باشد. معمولاً یا در اول کلمه و یا در وسط کلمه می آید.

t (تیر ، غلیظ) **tîr**, (توربه) **tûr**, (انگور) **tîrî**, (جغد) **tû**, (آمدن) **tê**, (خیس) **ter**, **tîrş**,
... (پرنده دارکوب) **darkutok**

U این یک حرف صدادار است. این صدا با بازکردن لب و دندانها، از میان فک یکباره و بصورت کوتاه در می آید. این حرف در جلوی کلمات بکار نمی رود. در آخر کلمات نیز بصورت محدود می آید مثل:

kur, **gur**, **kum**, **xurde**, **gum**, **gumgum**, **kêguh**, **guçik**, **gul**, **hengulîsk**, **gurçî**,
kul, **kurdistan**, **tu**, **ku**, **du**, ...

Û این حرف صدادار است. این صدا با بازکردن فک، دندانها و لبها از میان فک به بصورت پیوسته در می آید و باز کردن فک کمی ادامه می یابد.

kûr, **rû**, **mû**, **dû**, **çûn**, **bûn**, **dûr**, **bilûr**, **kûçî**, **bûk**, **şûr**, **tûr**, **qûm**, **kûtî**, **tût**, **tû**,
şûşe, **ûtî**, **tûtî**...

V این صدا با همکاری لب و دندانها درست می شود. لب پایین را در میان دندانهای پایین و بالا می گذاریم و کمی حالت ایستایی به آن می دهیم.

vedan, **veşartin**, **valabûn**, **vekirin**, **çav**, **kevir**, **deve**, **vegerîn**, **dirav**, **şivan**, **lêv**,
hîv, **şîv**, ...

W این صدا در میان لبها پیدا می شود (درست می شود). با همکاری حروف صدادار، حروف بارشده (سوارشده) **siwartîp** را درست می کند (wa, we, wê, wi, wî, ew, - êw, ...).
و خود نیز یک حرف نیم صدا است. این حرف با همکاری حروف بی صدا نیز حروف هم صدا را درست می کند (xw, kw, gw).

wan, welat, wêran, wendabûn, wî, ew, xwarin, xwê, xwîn, gwêz/gwîz, kwîr,
kwinîr / kwinêr, kew, war, wezîr, dewrî, dew, dewkelî, mêwe, weirs,

...

X این صدا از نیمهء حلق در می آید. البته ابن حرف در واقع صدای غ را که در فارسی موجود است را نیز دارد، چونکه در کرمانجی صدای غ نداریم و غ یک حرف عربی است که وارد الفبای فارسی شده است.

xanî, xizan, xerab, xezal, xort, xak, berx, xîyar, xalî, xal, xalxalok, xorme, ...

خ > xanî, xwe, xav, box/ hilm (بخار), ...

غ > baxçe, axa, xezal, xemgîn, ...

Y این صدا از نیمهء پشتی زبان در می آید. این حرف نیمصدا است و با همکاری حروف صدادار، حروف بارشدنی (سوارشدنی) / siwartîp / (ya, ye, yê, yi, yî,) را درست می کند (ey, ...

radiyo, meymûn, yêk, yazde, çay, dinya, payîz, çîya, çayîr, ...

Z این حرف آخر از الفبای کرمانجی است. صدای این حرف از میان دندانها بیرون می آید.

zozan, zemîn, zor, zindan, zer, zîv, pez, derzî, xinzîr, moz, zivistan, zêr,
pîvaz, ziman, zirne, zengil, ...

چند نکته در خصوص نوشتن صحیح و درست در گُردی کرمانجی

نکته اول: آمدن حروف صدادار پشت سر هم: در زبان کردی دو حرف صدادار در یک واژه (کلمه) و یا در یک واژه و پسوندی که به آن وصل می شود پشت سر هم قرار نمی گیرند. اگر با چنین حالتی مواجه شدیم در کرمانجی ۳ حرف هستند (y, w, h) که در میان این حروف صدادار قرار می گیرند و آنان را از هم جدا می کنند.

Gî – an > Gîyan (سرزنده بودن، روحیه شاد داشتن)

Du – emîn > duwemîn (دومین)

Dirêj – î > dirêjahî (درازایی)

البته معمولاً حرف y در بیشتر اوقات به جای h و w بکار می رود.

Dirêj > dirêjhaî > dirêjayî

Teng > tengahî > tengayî (تنگنایی)

Reş > reşahî > reşayî (سیاهی)

بطور کلی حرف y در کرمانجی در جدا کردن حروف صدادار از همدیگر استفاده زیادی دارد.

Kelegî – ekî got. > kelegîyekî got.

Çîya – ê > çîyayê

نکته دوم: متحد شدن یا اتحاد حروف (yêkbûn ya yêkitîya tîpan)، در کرمانجی

معمولاً یک حرف در یک واژه (کلمه) دو بار پشت سر هم قرار نمی گیرد. در چنین حالتی یکی از حروف را نمی نویسند. بطور کلی در زبان کوردی از دیدگاه نوشتاری و املائی؛ معمولاً کلماتی که دارای یک حرف بصورت تکراری (tt, ll, rr...)، و یا دو حرف با صدای نزدیک بهم

(.... "p-b", "d-t") که در کنار یکدیگر قرار بگیرند، نداریم، چونکه اگر این حروف در کنار یکدیگر قرار بگیرند یکی از آنها نوشته نمی‌شود.

paş – şiv > paşşiv > paşiv
 deng – gir > denggir > dengir
 derd – dar > derddar > derdar
 xurt – tir > xurttir > xurtir (جوانتر، کوچکتر)

rind-tir > rintir (بهتر)
 serok-komar > serokomar (رئیس جمهور)
 dewlemend-tir > dewlementir (غنی‌تر، ثروتمندتر)
 yêk-kîte > yêkîte (یک سیلابی)

نکته سوم: بخش کردن واژه‌ها (کلمات) در کرمانجی، بخش (سیلاب kî) در یک واژه در واقع کوچکترین قسمت در کلمه است که با حروف صدادار در کلمه درست می‌شود. مثلاً karger یک کلمه دو سیلابی (دو صدایی) است، یعنی kar + ger ، که در اینجا kar بخش (سیلاب یا صدای) اول می‌باشد و ger بخش (سیلاب یا صدای) دوم می‌باشد. هر یک از این سیلاب‌ها کوچکترین قسمت واژه karger است که از آن کوچکتر تقسیم پذیر نیستند. ما نمی‌توانیم بخش kar را به تقسیمات k + a + r تقسیم و بخش کنیم، چونکه کوچکترین بخش یا سیلاب بایستی دارای یک حرف صدادار باشد، و همینطور برای ger نیز صادق است. بنابر این کلمه karger یک واژه دو سیلابی (du kî) در کرمانجی است.

کلمه ba (باد) یک واژه یک سیلابی (yêk kîte) است، چونکه نمی‌تواند به بخشهای کوچکتر از این تقسیم شود. بطور کلی در یک واژه هر چند حرف صدادار باشد به همان تعداد نیز صدا

(سیلاب یا بخش) وجود دارد و بر اساس این اصل و پایه واژه های کرمانجی بسته به تعداد حروف صدادار موجود در آنان به واژه های (کلمات) یک سیلابی، دو سیلابی، سه سیلابی، چهار سیلابی و پنج سیلابی تقسیم می شوند.

الف - واژه های یک سیلابی، در این واژه ها یک حرف صدادار موجود است. مثال:

Bav, dê, av, bar, xak, ap, dar, sar, ji, bi, li, yêk, bir, mir, kir, çû, bû, deng,
bang, ...

ب - واژه های دو سیلابی، در این کلمات دو حرف صدادار وجود دارد و با دو صدا از هم جدا (بخش) می شوند. مثال:

Baran (bar + an), hêvî (hê + vî), karwan (kar + wan), hacer (ha + cer), ...

پ - واژه های سه سیلابی، در این کلمات سه حرف صدادار وجود دارد و با سه صدا از هم جدا (بخش) می شوند. مثال:

Hilkişîn (hil + ki + şîn), şorişger (şo + riş + ger), raketin (ra + ket + in), ...

ت - واژه های چهار سیلابی، در این کلمات چهار حرف صدادار وجود دارد و با چهار صدا از هم جدا (بخش) می شوند. مثال:

Şehristanî (şeh + ris + ta + nî), koçbarkirin (koç + bar + kir + in),

Welatparêz (we + lat + pa + rêz), ...

و به همین صورت واژه های پنج سیلابی نیز بخش می شوند.